



عکس: نژادین است

گفتمان فاطمی؛ یک روش-یک راه

نشر ارزش‌های فاطمی، طرح این گفتمان را گسترش می‌دهد



انقلاب اسلامی ما یک نوآوری و بدون وابستگی به شرق و غرب و به تعبیری یک معجزه الهی بود. این مهم در حالی به پیروزی رسید و این اقتدار را حفظ کرد که تا امروز، برابر قدرت‌های بزرگ استکبار، با تکیه بر نیروی مردمی مقاومت کرده است. برکت نفس امام خمینی (ره)، شیوه مدیریت، به کارگیری توان و ظرفیت مردمی و از طرفی پایداری و تحمل شکنجه‌ها دارای آثاری وضعی بود که پیروزی انقلاب را در بر داشت. بعد از سال‌ها مقاومت و تحمل مشکلات فراوان، این پرسش مطرح می‌شود که آیا انقلاب اسلامی پیروز شد که صرفاً یک نظام تغییر کرده باشد. هدف انقلاب چه بود؟ هدفی که امامین انقلاب در نظر داشتند، برپایی حیات طیبه و تمدن نوین اسلامی است که رهبر معظم انقلاب در چندین مرحله این موضوع را مطرح کردند. این مبحث با رعایت و حفظ تقدم و تأخر شامل انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی است. عبور از این مراحل و رسیدن به مراتب بالاتر وظیفه همگانی است.

برای نمونه، ایجاد دولت اسلامی تنها وظیفه قوه مجریه نیست و همه افراد جامعه اعم از مدیران، دبیران، کارگران، زنان خانه‌دار و... نقش دارند. در این میان، تهذیب و تذهیب نفس از شروط اساسی است که اگر انسان‌های یک جامعه به سطحی از آمادگی نرسند، دسترسی به دولت اسلامی امکان‌پذیر نیست.

خودسازی، دگرسازی و ساختن جامعه اسلامی از شروط تحقق تمدن اسلامی است. در دوران دفاع مقدس گفتمان غالب جامعه گفتمان ایثار و شهادت بود. اکنون با وجود همه‌های فرهنگی، گفتمان غالب باید فاطمی باشد.

در ۸ سال دفاع مقدس چطور فرزندان این مرز و بوم جانشان را برای رضایت الهی تقدیم کردند؟ جوانان ما چطور از همسران محبوبشان

گذشتند؟ یک مادر که تحمل یک خار در پای فرزندش را ندارد چطور یک ۲ و گاه همه پسران خود را نثار انقلاب و اسلام می‌کند و حسرت می‌خورد چرا فرزند بیشتری برای تقدیم به اسلام نداشته است؟ این گفتمان و فرهنگ باید همچنان در جامعه جاری باشد. در یک زمان مادران و همسران باید نقش زینبی می‌داشتند و گفتمان غالب ایثار و شهادت می‌بود و در یک زمان مادران باید نقش فاطمی داشته باشند و گفتمان فاطمی را نشر دهند. در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ مادران رسالت خود را به زیباترین شکل ممکن ادا کردند. حال باید ببینیم ما چه کرده‌ایم که رهبر معظم انقلاب دستور به جهاد در فضای مجازی را صادر و از این فضا به قتلگاه جوانان و نوجوانان یاد می‌کنند. برای عملکرد صحیح در فضای مجازی یا حقیقی نیاز به یک الگو داریم، الگویی که در همه عرصه‌ها و اعصار جلوه داشته باشد. گاهی در نظر دختران جوان و نسل جدید فاطمه زهرا (س) همان است که در کتاب‌های درسی یا مراسم مذهبی شنیده‌اند و شخصیت ایشان در دختر پیاپی (س)، همسر علی (ع) و مادر اهل بیت (ع) خلاصه شده است. تا اندازه‌ای از ظلمی که به ایشان شده و حقی که ستانده شده است می‌دانند، و از فضایل سیاسی، اجتماعی، فردی، خانوادگی، علمی، ولایت‌پذیری، شجاعت، بلاغت، کرامت، زهد و ایثار کمتر شنیده‌اند.

در گفتمان فاطمی شناخت ایشان و ارائه الگویی متناسب با ذائقه نسل جوان امروز مطرح است. ایجاد انس و الفت بین حضرت فاطمه زهرا (س) و نسل جوان با استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود در فضای مجازی و معرفی بانوان و دختران موفق در همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در یک عملیات جهادی فرهنگی رقم خواهد خورد. این عملیات با شبکه‌سازی، توجیه فعالان فرهنگی و فضای مجازی، عضوگیری و نشر ارزش‌های فاطمی، طرح گفتمان را گسترش خواهد داد.



ملیحه غیور

مدیر مشارکت‌های حفظ ارزش‌های دفاع مقدس استان

ریحانه

شهربانو

۲شنبه
۱ آذر ۱۴۰۰
۱۶ ربيع الثاني ۱۴۴۲ شماره ۳۵۳

(۳)

بی‌تابی نکنید تا دشمن شاد نشویم

خبرده‌روایتی از مادر ۳ شهید و ۲ جانباز دفاع مقدس



هر ۵ پسر خدیجه طلعت در جنگ رزمنده بودند. حسین سال‌ها جانباز بود و بعد به رحمت خدا پیوست. محمد، جانباز اعصاب و روان، هنوز در قید حیات است. حسن، عباس و ابوالفضل، ۳ پسر آخر خانواده، هم شهیده شده‌اند. همین چند وقت پیش نیز خدیجه طلعت، مادر این ۳ شهید، آسمانی شد، کسی که متولد ۱۲۹۸ بود و از حمله روس‌ها گرفته تا دوران رضاخان و کشف حجاب زنان ایرانی را به چشم دیده بود.

مادر طلعت زنی معتقد در روزگاری اعتقادی بود. همین تفکرات را به دخترش نیز یاد داده بود. او به همین دلیل، روحیه‌ای بسیار قوی داشت و بعدها که جنگ شروع شد، با اینکه همسرش فوت کرده بود، خودش مشوق پسرانش بود تا به جبهه بروند و همیشه به خانواده‌اش می‌گفت اگر خودش هم می‌توانست، به جبهه می‌رفت.

وقتی پسران طلعت از جبهه به مرخصی می‌آمدند، خودش لباس‌های آن‌ها را می‌شست و اتو می‌کرد و دوباره آن‌ها را برای اعزام به جبهه آماده می‌کرد. حتی به پسرانش توصیه می‌کرد هوشیار باشند و تا می‌توانند به دشمن بتازند و آن‌ها را به هلاکت برسانند. آن روزها هیچ کس خبر نداشت در دل این مادر چه می‌گذرد، اما می‌دیدند که تحت هیچ شرایطی

و شهید می‌شوند. هیچ وقت از شهادت پسرانش ناراضی نبود، اما زیاد دل‌تنگشان می‌شد. این آخری‌ها دچار آلزایمر شده بود، اما با وجود این بیماری، باز هم گاهی پسرانش را به خاطر می‌آورد و دل‌تنگی می‌کرد. قبل از اینکه دچار فراموشی شود، با دامادی و بچه‌دار شدن پسران دیگر، یاد فرزندان شهید خود می‌افتاد، اما باز هم این جمله را به زبان می‌آورد که: الهی شکر که پسران من جنگیدند. اگر مردان باغیرت نمی‌جنگیدند، حالا سرزمین ایران در کار نبود.



سعی نمی‌کرد پسرانش را از اعزام به جبهه منصرف کند. انگار که او در مقابل همه سختی‌ها، استقامت عجیبی داشت و حتی به دیگر اعضای خانواده نیز آرامش می‌داد. یکی از مصداق‌های صبوری این مادر، زمان قبل از انقلاب بود که یکی از پسرانش در رژیم شاه ارتشی و در واحد توپخانه در اصفهان حضور داشت و در همان زمان، با شهید صیاد شیرازی، مبارزات ضد شاه را شروع می‌کند. بارها در بازداشتگاه‌های ارتش زندانی می‌شود و حتی برای او حکم اعدام صادر می‌کنند. دختران خانواده بی‌تابی می‌کردند. یک چشمشان اشک بود و چشم دیگر خون، اما مادر با آرامشی عجیب، هر بار به آن‌ها می‌گفت: ایام انقلاب اسلامی است. تحت فشار دشمن هستیم. بی‌تابی نکنید تا دشمن شاد نشویم. طلعت همیشه می‌دانست و به دیگران هم می‌گفت: روزی بچه‌های من به جنگ می‌روند